

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ جون ۲۰۱۸

باند های قدرت و انتصابات پیش رو!

۲

سه شنبه- ۲۲ جوزا ۱۳۹۷- کابل: دومین جریان اساسی که تا حد زیادی مقامات و به تناسب آن قدرت را از دست داده، تلاش می ورزند تا زیر پای مثلث فاشیزم کاملاً نابود نگردند، نیز در این میان دست زیر الاشه نگذاشته، با وسایل و طرق مختلف می کوشند در صورت ناتوانی در تحمیل شکست بر حریف حد اقل بقای شان را حفظ نمایند. شیوه های کار آنها در کل می تواند شامل نکات آتی باشد:

۱- این گروه که تقریباً اکثریت باندهای سکتوریست، منطقه گرا، ناسیونالیست های تنگ نظر، نژادپرست و تجزیه طلبان را در خود جای داده، هرچند از لحاظ ترکیب قومی می توانند در مقابله به طرف مقابل ادعای اکثریت نیز نمایند، مگر تا جایی که دیده شده، خودخواهی ها و خودفروشی های درون گروهی بین آنها آنقدر شدید و حتا آشتی ناپذیر است که می تواند به جای مقابله با طرف مقابل، به کشت و کشتار همدیگر دست بیازند. بزرگترین مشکل این جمع به علاوه عدم اعتماد بالای یک دیگر، فقدان یک شخصیت محوری و کسی که بتواند مورد اعتماد همه آنها قرار گیرد می باشد. اینها که همدیگر شان را خوب می شناسند و می دانند که قیمت هریک از آنها چند است و چطور می تواند طرف مقابل در یک چشم به هم زدن این و یا آن را خرید نماید، در مقطع کنونی بزرگترین تلاش شان نخست اجماع در مورد فردیست که بتواند محور کار آنها قرار گیرد و در ثانی تلاش به منظور حفظ اتحاد ناپایدار فعلی شان می باشد.

۲- این گروه به علاوه استفاده از تکنیک های حریف یعنی تقلب در انتخابات تقلبی و تلاش جهت خود را مزدور وفا دارتر برای کشور های خارجی به خصوص اشغالگران معرفی داشتن، امید شان در یک نکته دیگر تمرکز یافته است. آن نکته برخورداری از نیروی کار بدنه به اصطلاح "کمسیون انتخابات" است.

۳- این را می دانیم که "غنی احمدزی" و باند مربوط به وی در داخل و بیرون از ارگ، طی این مدت تلاش ورزیده اند تا در تعیین اشخاص و افراد به مقامات بلند حکومتی با حيله های رنگارنگ اداری، موقعیت خود را تثبیت نموده تقریباً اکثر چوکی های بلند را به نمایندگان خودشان بسپارند.

این امر با آن که در ظاهر امر قدرت آنها را در مقامات تصمیم گیرنده افزایش داده و در واقع صلاحیت گفتن "بگو و نکو" را برای خود اختصاص داده اند، مگر زمانی که پای تطبیق فیصله ها به میان آید از آن جایی که کادر های اجرائی نه تنها خود را مغبون، مظلوم و تحقیر شده احساس می نمایند، بلکه تداوم این روند و فراگیر شدن آن را به

معنای نابودی خود نیز می دانند، در نتیجه به جای این که در بسیاری از موارد جهت تحکیم اتوریتة "باندارگ" کار کنند، به کار شکنی می پردازند.

این مسأله وقتی به ارتباط انتصابات آینده مورد مطالعه قرار بگیرد دیده می شود که عواملان اجرائی که تعداد شان به هزاران نفر می رسد تقریباً در کل در خدمت این جریان قرار می گیرند. یعنی در حالی که بالائی ها برای مثلث فاشیزم تلاش خواهند ورزید، پائینی ها تلاش خواهند کرد تا طرف مقابلش را پیروز اعلام بدارد. این وضعیت که تکرار انتصابات ۲۰۱۴ و بانی پیدایش حاکمیت دوسره می باشد، خطر درگیری ها و حتا تقابل های خونین را نیز در چشمرس قرار می دهد.

۴- یکی از تکنیک های دیگر این جریان، دامن زدن به اختلافات درون قومی جناح مقابل و از طریق خم و چم نمودن به این و یا آن پشتون مخالف با مثلث فاشیزم، پراکنده ساختن رأی طرف مقابل می باشد. ادامه دارد.